

محتوای اصول ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مواد ۷۵، ۷۶ و ۷۷ آئین نامه داخلی شورای عالی قضایی و دامنه شمول آنها طی ده جلسه مورد بحث نمایندگان قوای قضائیه و مقننه، به عنوان اولین دستور کار قرار گرفت و نهایتاً تفسیر ریاست محترم قوه قضائیه به شرح زیر مورد توافق طرفین قرار گرفت. امید است که این تفسیر مورد توجه نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و قضات محترم دادگستری قرار گیرد. موجب ایجاب جو تفاهم بیشتر بین دو قوه شود.

مصونیت نماینده یا از باب مصونیت قضایی به معنای عدم امکان پیگرد قضایی (احضار و محاکمه) در فرض مجرمیت بزه از او می باشد، و یا از باب عدم مجرمیت به معنای نفی وصف بزه از فعل انجام شده است.

معنای نخست - که مصونیت قضایی نام دارد، مورد نظر قانونگذار مانده است زیرا هم قانون اساسی در اصل ۸۶ و هم آئین نامه داخلی مجلس ناظر به اظهار نظر نمایندگان در مجلس بوده و آنچه را که وظیفه این نمایندگان می باشد مصون دانسته که این به معنای نفی جرم بودن اظهار نظر در مقام ایفای وظیفه نمایندگی است. مصونیت کسوت نمایندگی از تعقیب قضایی، در صورت صدور بزه و اساساً چنانچه نظر قانونگذار مصونیت قضایی از بزه و اذیت شده بوده باشد می بایستی در خود آن قانون راهکار و چگونگی سلب و تعلیق منشأ مصونیت در صورت صدور بزه از بزه قطعاً نیز دیده می شد همانگونه که در مصونیت قضات و غیره دیده شده است.

بنابراین منظور قانونگذار معنای دوم مصونیت یعنی نفی جرم بودن اظهارات نماینده در مقام ایفای وظیفه نمایندگی است. حال بایستی دیده شود این مصونیت به چه اندازه و در چه محدوده ای است؟ قطعاً نمی توان گفت منظور قانونگذار این بوده است که کلیه بزه ها و جرایمی که در قوانین جرم و جزا به تصویب رسیده اند در صورت صدور بزه از او جرم تلقی نخواهد شد. از طرف دیگر هم قطعاً در این قانون بزه های به نماینده مبدول شده است، و نمی توان گفت که هیچ فرقی میان او و دیگر شهروندان نیست زیرا در هر دو حالتی دیگر این قانون لغو و بی معنی بوده و نیازی به تصویب آن نمی باشد.

آنچه در تفسیر این قانون به نظر می رسد آن است که قانونگذار در صدد برآمده است تا نقش نمایندگان را در حقیقت مصونیت تعقیب قضایی قرار دهد زیرا که وظیفه و تکلیف و حق قانونگذاران و نمایندگان محدود و وظایف نمایندگی مصون از تعرض قضایی قرار دهد زیرا که وظیفه و تکلیف و حق قانونگذاران و نمایندگان مفاد این قانون این خواهد بود که هر چه اقتضای وظیفه نمایندگی و اختیارات مجلس نسبت به دستورات و اقدامات مسئولین قرار داده شده است گرچه مستلزم دخالت در شئون و اختیارات آن دستگاهها و یا مسند آنها می باشد در حقیقت به نوعی آزادی و فعالیت آنان را محدود می کند که در فرض نبودن چنین اختیاری این حق را می توان

هر شهروندی حق محدود کردن و یا دخالت در فعالیتهای دیگران و مخصوصاً دستگاهها را ندارد، جرم نبوده و صدور آن از نمایندگان قابل تعقیب نیست. همانند وظیفه مدعی العموم که عبارت است از اتهام و تعقیب و بازرسی و یا کیفر خواستن در موارد مشاهده علائم جرم که نسبت به او جرم افتراء و یا توهین محسوب نمی شود، ولی چنانچه همین امر از غیر مدعی العموم و یا قاضی پرونده صادر شود جرم تلقی خواهد شد. و یا مانند مأمور راهنمایی و رانندگی که هرگونه منعی را از عبور و مرور اتومبیلها در خیابانها انجام دهد جرم نبوده زیرا در محدوده وظیفه و اختیارات اوست لیکن همین امر چنانچه از غیر مأمور راهنمایی و رانندگی صادر شود تجاوز به حقوق دیگران بوده و جرم تلقی شده و قابل تعقیب است.

محل امضای اعضای هیأت مشورتی



جمهوری اسلامی ایران

دفتر قضاوت

بیت‌المالی

دادگترین مردم کسی است که بهتر و بیشتر به حق حکم کند
مولای متقیان علی (ع)

جناب حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و تحیات

چندی است که نامه های پیاپی باامضاء رئیس هیأت پی گیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و هم راه توشیح حضرتعالی توسط دفتر شما در رابطه با پرونده های متهمین یا محکومین ارسال و سیر طبیعی شود و می نمود ولی دریافت نامه مورخ (۱۳۸۰/۷/۸) در رابطه با پرونده های دوتن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و سپس بخش وسیع آن در شبکه جهانی اینترنت و رسانه ها مایه شگفتی گردید.

زیرا گذشته از آن که وضعیت فعلی منطقه وحدت و انسجام ملی و همدلی بیشتر مسئولان راه در نظام ادوار مختلف چنین پرونده هایی در محاکم قضائی سیر طبیعی اش را سپری کرده است و این دو پرونده است که در محاکم قضائی مطرح و رسیدگی شده است.

به هرحال اینجانب با این که هرگونه حرکتی را که شبهه وجود اختلاف میان مسئولان رادر از هار یاد آورده ام مقرون به صواب نمی دانم چند نکته ای را تنها از باب تبیین موضوع عرض می نمایم:

۱- قانون اساسی در بند سوم از اصل ۱۵۶ و اصل ۱۷۴ نظارت بر حسن اجرای قوانین را از وظایف دایره قوه قضائیه بر شمرده و در اصل ۱۱۳ اجرای قانون اساسی را از وظایف رئیس جمهور دانسته است و تفاوت اساسی این دو با اندک تأملی واضح و روشن می باشد.

«نظارت بر حسن اجرا» مربوط به موارد تخلف دستگاهها از اجرای صحیح قانون و نقض آن است و این امر را قانون اساسی، اجرا و احیا و معطل نماندن و شکل گیری اجرایی قوانین را می رساند، براین اساس در ماده ۱۱۳ که مورد استناد و فلسفه وجودی هیأت پی گیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی قرار گرفته است، پی گیری اجرا و احیای اصول قانون اساسی است و رئیس قوه مجریه موظف است وظایف مربوطه را بر عهده مستقیماً اجرا کند و در رابطه با دیگر قوا و نهادها مانند رهبری نظام، مجلس، قوه قضائیه شورای نگهبان و نظائر آنها باید

شرایط و مقدمات لازم را جهت اجرا و احیاء آن قوانین که در اختیار او می باشد مهیا کرده و در صورت عدم اجرا تذکر دهد و این منافی با بند ۳ اصل ۱۵۶ نمی باشد زیرا مفاد این بند نظارت بر حسن اجرا و رسیدگی به تخلفات از قوانین و معنای اصل ۱۱۳، بی گیری و تذکر درباره لزوم اجرای قانون اساسی است.

۲- علاوه بر آن که در متن اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه مستقل از دیگر قوا دانسته شده است و برای رسیدگی به اعتراضات و پیشگیری از تضییع حقوق مردم نهادهای نظارتی مشخص، (مانند محاکم تجدیدنظر، دیوان عالی کشور، محکمه انتظامی قضات و نظایر آن) در قانون اساسی و قوانین عادی برای قضات و محاکم پیشینی شده است و ایجاد و فعالیت هرگونه نهاد نظارتی دیگر، به ویژه اگر در درون قوه دیگر شکل بگیرد، با برخی از اصول قانون اساسی «مخصوصاً» اصول ۱۵۶ و ۱۶۱ مغایرت دارد.

۳- «ماده ۱۵» قانون تعیین حدود و وظایف و اختیارات و مسؤولیتهای ریاست جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۴۵ «در مورد حق رییس جمهور برای دادن اخطار و تذکر به قوای سه گانه با توجه به اصلاح اصل ۱۱۳ قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و حذف عبارت «تنظیم روابط قوای سه گانه» از میان مسؤولیتهای رییس جمهور و حذف «نخست وزیر» از تشکیلات دولت» قابل استناد برای اطلاق نظارت نیست، بدیهی است هرگونه نظر تفسیری شورای نگهبان در مورد «اصل ۱۱۳ اصلاحی» برای همه قوای کشور لازم الاتباع خواهد بود.

۴- در رابطه با موضوع مصونیت نمایندگان مجلس، هر چند که این موضوع طی جلسات مختلفی در هیأت مشترک مجلس و قوه قضائیه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و منظور نظر حضرتعالی هم مصونیت مطلقه نیست، قصد ورود به ماهیت این بحث را ندارم، لیکن مناسب است بر این نکته تأکید ورزم که چون قاضی بر اساس اصول قانون اساسی و قوانین عادی و مبانی مسلم فقهی و حقوقی در برداشت از قانون و اعلام نظر و انشای حکم کاملاً مستقل است و هیچکس، حتی رییس قوه قضائیه، حق تحمیل برداشت خود را از قانون به قاضی ندارد و تنها دادگاه صالح برتر است که از حق نقض حکم قاضی بر اساس موازین قانونی برخوردار می باشد.



بتفصیلی

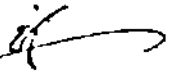
تاریخ

شماره

موضوع

درخواست از رییس قوه قضاییه برای الزام قضات به در پیش گرفتن رویه و برداشتی خاص با امر اول و حقوقی و اصول قانون اساسی مغایر است، مگر آن که شورای نگهبان با تفسیر اصلی از اصول قانون اساسی قضات را به برداشتی خاص از قانون ملزم نماید.

در پایان: امیدوارم با تدبیر و درایت جنابعالی، که همواره مورد ارادت اینجانب بوده و هستید و خود بارها ایجاد بحران و تنش در جامعه شکوه نموده‌اید، این گونه مباحث و مسایل که نیازمند بررسیهای دقیق و عمیق و حقوقی می‌باشد، قبل از آن که به عرصه رسانه‌ها کشیده شده و ایجاد دغدغه و شبهه برای مردم نگردد. در کارشناسی بررسی گردیده و در جلسات سران قوا راهکارهایی روشن برای حل و فصل آنها اندر بدیهی است این تدبیر مخصوصاً در شرایط حساس کنونی حاکم بر منطقه ضروری تر می‌نماید.


سید محمود هاشمی شاکری
رییس قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران
۸۰۷۱۲۲



بیتعالی

تاریخ ۲۸/۸/۱۳۸۰
شماره ۱۶۴۹
پرست

داردگرترین مردم کسی است که بهتر و بیشتر به حق حکم کند
مولای متقیان علی (ع)

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی «دام عزه»

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و تحیت

دو نامه از جنابعالی در یک روز و به یک تاریخ: (۸۰/۸/۱۶) واصل شد. قبلاً نیز نامه دوم جنابعالی را ابتدا از رسانه‌های عمومی کشور و مصاحبه جنابعالی در مجلس و سپس از طریق دفتر جنابعالی دریافت کردم. لحن و سیاق و کیفیت این نامه‌ها با کلیه نامه‌های دیگر حضرتعالی فرقه‌های زیادی در بردارد که مایه شگفتی اینجانب گردید. اینجانب همانطور که در نامه قبل عرض کردم ادامه این قبیل مکاتبات را صلاح نمی‌دانم زیرا هم خلاف مصلحت نظام است و هم مخالف شأن رؤسای محترم سه قوه به ویژه اینکه این دو نامه تکرار و شرح همان مطلب نامه اول جنابعالی است که خیال می‌کنم پاسخ علمی آن را داده‌ام. مطلب جدید این دو نامه یا مطالبی است که در برخی مطبوعات علیه قوه قضاییه آمده و یا برگرفته از گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس که برای خود اختیارات و وظایف فرا قانونی و برخلاف قانون اساسی در رابطه با پرونده‌های قضایی قایل شده است می‌باشد، ضمیمه نامه هم نظریات شخصی یکی از اعضای هیأت نظارت و پیگیری اجرای قانون اساسی است که مکرر در مطبوعات پخش شده و مورد نقد و نقض برخی حقوقدانان و قضات قرار گرفته است.

در هر صورت همانطور که در نامه قبل عرض کردم نه اصل ۸۶ داللی بر مصونیت نمایندگان مجلس دارد و نه این نظر را که برخلاف نظر قاطبه قضات دستگاه قضایی است می‌توان بر آنان تحمیل نمود. و نه نظارت بر حسن اجرای قانون اساسی برای رئیس جمهور از اصل ۱۱۳ استفاده می‌شود بلکه به مقتضای صریح قانون اساسی در اصل ۱۵۶ این حق بر عهده قوه قضاییه نهاده و ریاست جمهوری در اصل ۱۱۳ تنها وظیفه اجرای قانون اساسی به معنای عدم



بیتربی

آب
آب
آب

معطل ماندن اصول آن را بر عهده دارد و هیچ مفسر حقوقی از واژه (اجرای قانون) نظارت بر حسن اجرای آن را از بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی از وظایف صریح قوه قضاییه شمرده شده استفاده نمی‌کند. بسیار جای تعجب است که برخی خواسته‌اند مفهوم نظارت را لازمه مسؤلیت اجرای قانون بدانند غافل از اینکه معمولاً در قوانین نظارت کننده جدا از دستگاه اجرا کننده است و وظیفه نظارت بر حسن اجرا و عدم نقض ماهیتاً وظیفه‌ای است که در مقابل وظیفه اجرا قرار می‌گیرد و نه تنها لازمه آن نبوده بلکه با آن تقابل دارد.

و اما در رابطه با استناد به قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۵ در این باره اسلامی که در نامه جنابعالی آمده است و در گذشته به آن پاسخ دادیم. باید عرض کنم:

اولاً- این قانون عادی قیل از بازنگری تصویب شده است که قطعاً برخی از بندهای آن با تغییر اساسی در بازنگری لغو شدند است که خود نیاز به بازنگری و اصلاح دارد که چه بسا در اصلاح اساسی نیز مشمول اصلاح گردد.

ثانیاً- آنچه در این بند آمده باز هم در حوزه مسؤلیت اجرایی قانون اساسی می‌باشد نه بیشتر، یعنی در فرض قبول عدم تغییر آن (حق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدام) جهت انجام مسؤلیت اجرای قانون اساسی به رییس جمهوری داده است که طبق آنچه در رابطه با اجرای قانون عرض شد ارتباطی با نظارت بر حسن اجرای قانون و عدم نقض آن ندارد بلکه در حوزه نظارت بر اجرا و پیاده شدن اصول قانون اساسی و معطل نماندن آن مفهوم پیدا می‌کند مثلاً چنانچه در قضایی اصل ۱۷۳ را که مربوط به تشکیل دیوان عدالت اداری است ایجاد نکرده، رییس جمهور در این رابطه به قوه قضاییه استنظار داده و اقدامات لازم جهت ایجاد این دیوان را آماده کند. اما است جدا از نظارت بر قضات دیوان عدالت و احکام آنان که آیا برخلاف قانون اساسی یا صادر نموده‌اند یا خیر؟ که از آن تعبیر می‌شود به حسن اجرای قوانین و عدم تخلف از آنها. اما قضایی داشته و طبق اصل ۱۵۶ تنها در اختیار قوه قضاییه و دادگاههای صالحه آن می‌باشد.



بیتعالی

تاریخ ۲۸ شهریور ۱۳۶۸
شماره ۷۶۴۹
پوست

مسأله نظارت ریاست جمهوری بر زندانها و یا پرونده‌های متهمین بند ۵۹ نیز که در نامه دیگر حضرتعالی آمده است مخالف اصول قانون اساسی و استقلال قضات است که در فقه و قانون اساسی بر آن استقلال تأکید شده است اینجانب به هیچ وجه به خود اجازه نمی‌دهم برخلاف آن عمل کرده و شأن قضاوت را خدشه دار کنم. مگر اینکه شورای محترم نگهبان تفسیری ارایه نماید. و یا رهبری معظم انقلاب که نظارت عالی را بر نظام و قوای آن دارند فرمان دهند که در این صورت برای همه امتثال آن واجب است.

آنچه عرض شد در حوزه قوانین و مقررات است. بی شک در فضایی صمیمی و همدلانه می‌توان سریعتر به مقاصد و حل مشکلات رسید. در این ایام مبارک توفیقات روزافزون را برای آن جناب در خدمت به انقلاب اسلامی و مردم عزیزمان خواستارم.

والسلام و علیکم ورحمة...

محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه